یادداشت

پاک‌نژاد؛ وزیر تراز نفت

علیرضا سلطانی

رئیس‌جمهور پزشکیان در فهرست اعلامی اعضای کابینه چهاردهم، محسن پاک‌نژاد را به عنوان وزیر نفت به مجلس شورای اسلامی برای کسب رأی اعتماد معرفی کرد. معرفی پاک‌نژاد برای این مسند مهم و راهبردی در شرایطی صورت گرفت که در طول ۴۰ روز بعد از پیروزی پزشکیان در انتخابات گمانه‌زنی‌ها و بررسی‌های زیادی درخصوص گزینه‌های وزارت نفت در تیم مشاوران دولت جدید مطرح شد و در این میان اسامی نامداری در سطح ملی مانند اسحاق جهانگیری، محمد شریعتمداری که خارج از صنعت نفت بودند و همچنین افرادی صاحب‌نام در صنعت نفت مانند رکن‌الدین جوادی (مدیرعامل سابق شرکت ملی نفت ایران)، غلامحسین نوذری (وزیر اسبق نفت)، حمیدرضا عراقی (مدیرعامل اسبق شرکت ملی گاز ایران) و سیدعماد حسینی (معاون اسبق مهندسی و پژوهش وزارت نفت)، بیش از بقیه برای عهده‌داری سکان وزارت نفت در دولت چهاردهم مورد توجه بودند اما رئیس‌جمهور مانند برخی دیگر از وزارتخانه‌ها، گزینه‌ای را برای وزارت نفت به مجلس معرفی کرد که در مقایسه با نام‌های اعلام‌شده، حداقل در سطح ملی کمتر شناخته‌شده است. انتخاب و معرفی محسن پاک‌نژاد، محصول فرایندی سخت، پیچیده و پرچالش در دالان‌های تودرتوی سیاست داخلی ایران است و از این بابت باید اذعان کرد که پاک‌نژاد از هفت خان انتخاب برای وزارت نفت گذشته و قاعدتا در چنین شرایطی این فرد حتما شرایط و شاخص‌های لازم برای عهده‌داری مهم‌ترین حوزه اقتصادی دولت را از نظر رئیس‌جمهوری داشته و دارد.

نگارنده این سطور پیش از این در یادداشتی با عنوان «وزیر تراز نفت در دولت آینده» که در روزنامه «شرق» منتشر شد، معیارها و شاخص‌های شش‌گانه‌ای را برای وزیر نفت آینده مطرح کرد. بر اساس این شاخص‌ها سؤال این است که آیا محسن پاک‌نژاد واجد این شاخص‌ها برای تصدی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران هست؟ بررسی می‌کنیم:

- در نگاه نخست، پاک‌نژاد سابقه‌ای ۲۵ساله در صنعت نفت دارد و با توجه به حضور در بخش‌های مختلف مدیریتی این صنعت، با شرایط کلی و جزئی، روندها، تحولات و چالش‌های این صنعت کاملا آشناست. او علاوه بر سابقه مدیریتی حضور در بخش‌های عملیاتی و میدانی صنعت نفت خصوصا در حوزه بالادستی و همچنین پایین‌دستی، حضور مستمر و فعالی در مدیریت ستادی وزارت نفت داشته که آخرین آن معاونت نظارت بر منابع هیدروکربوری است. این جایگاه، دید و شناخت جامع او در صنعت نفت را تقویت کرده است.

- حضور فعال و مستمر پاک‌نژاد در مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی مناطق مرکزی ایران و همچنین مدیریت طرح‌های توسعه میدان‌های گازی ایران در شرکت ملی نفت، سابقه و تجربه مفید و مناسبی است برای او در راستای شاخص توسعه‌گرایی در صنعت نفت که لازمه پویایی این صنعت است.

- شاخص مهم دیگر، درک و شناخت دقیق و کامل از تحولات جهانی صنعت نفت، روندها و تحولات توسعه‌ای این صنعت در عرصه بین‌المللی، شناخت دقیق رقبا و درک مناسب از چشم‌انداز آینده این صنعت در بازه‌های زمانی مختلف است. از این منظر پاک‌نژاد با توجه به دوران طولانی حضور در ستاد وزارت نفت و همچنین مدیریت نظارت بر صادرات نفت و فراورده‌های نفتی، کارنامه مقبولی از خود دارد که می‌تواند قدرت مانور او را در عرصه بین‌المللی و رفع چالش‌ها و محدودیت‌ها و تحریم‌ها و همچنین جذب سرمایه‌گذاری و فناوری خارجی افزایش دهد.

- نقطه قوت دیگر پاک‌نژاد توانمندی در برقراری ارتباط با بدنه نیروی انسانی صنعت نفت و همراه‌کردن خانواده بزرگ این صنعت با سیاست‌ها و راهبردهای وزارت نفت است که با توجه به سابقه ۲۵ساله حضور در این صنعت و آشنایی کامل با ساختار نیروی انسانی شکل گرفته و از این بابت بدنه صنعت نفت نیز از انتخاب فردی از خانواده این صنعت راضی و خوشحال است.

- از دیگر نقاط قوت پاک‌نژاد درگیری کامل او با چالش‌های صنعت نفت در دهه ۱۳۹۰ در حوزه تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی و فنی ناشی از آن در این صنعت و همچنین تلاش‌هایش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی در حوزه‌های فنی و مهندسی و کمک به همرسانی ظرفیت‌های داخلی و خارجی صنعت نفت است که لازمه توسعه و پویایی این صنعت است.

- برخورداری از روحیه برنامه‌ریزی و تعاملی با دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول در موضوع، مدیریت چالش ناترازی انرژی در کشور، بهینه‌سازی مصرف سوخت و کاهش هدررروی حامل‌های انرژی در کشور، از ویژگی‌های خاص و مهم وزیر نفت آینده است که در این خصوص پاک‌نژاد با توجه به سابقه حضور و فعالیت در بخش‌های پایین‌دستی و مدیریت مصرف سوخت، می‌تواند اثرگذاری لازم را داشته باشد.

در پایان همان‌گونه که در سطور ابتدایی این نوشتار آمد، تاکید می‌شود انتخاب پاک‌نژاد محصول یک فرایند سخت و نفس‌گیر با ملاحظات خاص مدیریتی، سیاسی و امنیتی در دالان‌های تودرتوی سیاست داخلی کشور بوده و انتخابی سرسری و بدون ملاحظه و ضابطه نبوده است. در عین حال با لحاظ همه شرایط حاکم در کشور، یافتن و معرفی فردی که واجد همه شاخص‌های مطلوب برای وزارت نفت باشد، کاری سخت و غیرعملی است. بر این اساس ضمن تأکید بر اینکه محسن پاک‌نژاد که نفتی خالص است، واجد اکثریت شاخص‌های لازم برای مدیریت صنعت نفت کشور است، لازم است به انتخاب و معرفی او از سوی رئیس‌جمهور پزشکیان اعتماد کرد.

در مناقب و مصائب ملی‌شدن نفت

سعید محبی

بی‌گمان، ملی‌کردن نفت در دهه ۱۳۳۰ ازجمله حسنات و برکات دولت دکتر مصدق به شمار می‌رود، اما به گمان عده‌ای این اقدام زودهنگام و ناسنجیده دکتر مصدق بیش از اینکه برای سعادت ملت ایران مفید بوده باشد، مصائبی هم در پی داشته است؛ زیرا موجب سقوط دولت ملی او شد، کشور را از تجربه حاکمیت ملی و گسترش و تعمیق دموکراسی محروم کرد و به دست خارجیان بهانه داد تا بساط استبداد و استعمار را به دست شاه بگسترانند. به نظر آنها از ملی‌کردن نفت چیزی عاید ملت نشد؛ زیرا یک سال پس از کودتا، یعنی در سال ۱۳۳۳، قرارداد کنسرسیوم با چهار شرکت نفتی منعقد شد که مفاد آن دست‌کمی از مفاد تحمیلی قراردادهای امتیازی که ملی شده بود، نداشت.

یک نکته در این قضاوت و تحلیل از ماجرای ملی‌شدن نفت مغفول مانده است. ویلیام فاکنر در نطق جایزه نوبل گفته بود «انسان ازآن‌رو که مقاومت می‌کند، انسان است». این جمله در پشت جلد مجله علم و زندگی خلیل ملکی، یار وفادار اما منتقد دکتر مصدق -در قضیه انحلال مجلس- هم نقش بسته بود. مسئله ملی‌کردن نفت را باید در چارچوب پروژه سیاسی و ملی مقاومت در برابر مداخله خارجی و سوءاستفاده انگلیس از ظرفیت‌های قرارداد ۱۳۱۲ نگاه کرد. به‌واقع، اگر بهایی برای ملی‌کردن نفت پرداخته شده، باید در همان سیاق و در پرتو همین پس‌زمینه ارزیابی شود. با اینکه قریب به ۷۰ سال از ملی‌شدن نفت می‌گذرد، در مقیاس زمان تاریخی، ما هنوز در فضای ملی‌شدن نفت و شعار استقلال و آزادی زندگی می‌کنیم. بیش از این بگویم، با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ۴۳ سال قبل، برای قضاوت و ارزیابی درست درباره ملی‌شدن نفت هنوز به اندازه کافی از آن فاصله نگرفته‌ایم. این گواهی است بر روند ملی‌کردن‌های پس از انقلاب اسلامی که بسیاری از آنها تحت شرایط هیجانی و الزامات و انتظارات انقلابی انجام شد و آسیب‌های آن هنوز گریبان نظام اقتصادی و سیاسی ما را رها نمی‌کند. برای علاج این آسیب‌ها، فرمان رهبری در سال ۱۳۸۴درباره اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی صادر شد و سپس تبدیل شد به «قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی آن.

به‌هرحال، برای ترسیم تصویری روشن از ماجرای ملی‌شدن نفت، باید دامن حوصله را فراخ گرفت و عنان قلم را رها کرد. در این چند خط چه مجال قلم‌فرسایی و دامن‌گستری؟! باری، خطوط اصلی طرحی از شرایط تاریخی قضیه این است که می‌خوانید.

از نظر حقوقی، دولت‌ها بر منابع ملی خود مانند نفت حق حاکمیت دارند و می‌توانند در مقام اعمال این حق، هرطور که منافع ملی آنها اقتضا می‌کند، از آنها بهره‌برداری کرده یا آنها را تملک و ملی کنند. ملی‌کردن نفت یا سایر منابع طبیعی از نظر حقوقی، فی‌نفسه امری مشروع و مجاز است، اما دولت ملی‌کننده باید غرامت بپردازد. ملی‌کردن نفت در سال ۱۳۳۰ یک اقدام حقوقی ساده برای سلب مالکیت از شرکت نفت ایران و انگلیس نبود، بلکه دولت دکتر مصدق که در مقام پشتوانه سیاسی، جبهه ملی را در اختیار داشت بیشتر به عنوان رهبر جریان سیاسی استقلال و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان عمل می‌کرد. نگاهی به اقدامات دولت دکتر مصدق در ۲۷ ماه، نشان‌دهنده نقشی تاریخی است که او برای خود قائل بوده؛ تصویب قانون ۲۰ درصد بهره مالکانه، تشکیل شورای عمران دهات، قانون تأمین اجتماعی که بیشتر تحت تأثیر دولت کارگر در انگلستان مطرح شده بود، قانون استقلال کانون وکلای دادگستری و نیز رویکرد سیاسی او در آزادی مطبوعات و... ازجمله قوانین و اقداماتی است که چشم‌انداز دولت او را در تراز یک دولت ملی و استقلال‌خواه نشان می‌دهد. الگوی دولت او توانست جمال عبدالناصر، رهبر مصر را در ملی‌کردن کانال سوئز ترغیب کند و سوکارنو را در اندونزی به اقدامات اصلاحی و بیرون‌راندن انگلیس‌ها دلگرم کند.

از نظر تاریخی، نخستین بار امتیاز اکتشاف و استخراج نفت و نیز احداث خط لوله در جنوب کشور در سال ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۱ میلادی) به مدت ۶۰ سال به «ویلیام ناکس دارسی» تبعه انگلیس اعطا شد. دارسی توانست در سال ۱۲۸۳ شمسی (۱۹۱۴ میلادی) نفت خام حاصل از محل امتیازنامه را صادر کند. سپس به اشاره دولت انگلستان و به منظور تأمین سوخت نیروهای دریایی انگلیس، دو میلیون سهم از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را همراه با حق رأیی معادل ۵۰ درصد سهام شرکت به دولت انگلیس منتقل کرد. به این ترتیب دولت انگلیس رسما وارد صنعت نفت ایران شد و با کنترلی که بر مدیریت شرکت مذکور داشت، عملا امتیازنامه را نیز در دست گرفت.

کمی بعد، انقلاب مشروطه در ۱۲۸۴ شمسی پیروز و مجلس شورای ملی تشکیل شد. دولت مشروطه جوان توان مقابله با قدرت‌های خارجی مانند انگلیس را نداشت و در داخل هم با مقاومت دربار و سنت‌گرایان مواجه بود. دولت انگلیس توانست دامنه نفوذ خود را در ایران گسترش دهد و از نفوذ روس‌ها و آمریکایی‌ها در صنعت نفت ایران جلوگیری کند. این وضع کم‌وبیش تا روی کار آمدن رضاشاه (اسفند ۱۲۹۹) ادامه داشت. در آن سال‌ها دولت محتاج درآمد ارزی بود، اما به علت نوسان قیمت نفت، درآمد دولت از محل امتیاز دارسی کم شد. دولت نگران شد و چون هنوز قریب ۳۰ سال از مدت امتیاز دارسی باقی بود، تصمیم گرفت آن را تعدیل کند. تیمورتاش مأمور مذاکره با انگلیسی‌ها شد، اما نتیجه نداد. سرانجام رضاشاه برآشفت و سرزده به هیئت دولت رفت و امتیازنامه دارسی را خواست و دستور لغو آن را صادر کرد و آن را در آتش بخاری انداخت. به دنبال این اقدام، مجلس هم وارد عمل شد و به پیشنهاد زین‌العابدین رهنما، با یک طرح قانونی امتیازنامه را لغو کرد. دولت انگلیس که تازه پیروزمندانه از جنگ جهانی اول بیرون آمده بود و قدرت فراوانی یافته و خاورمیانه را یکسره سهم خود کرده بود، به‌شدت با آن مخالفت کرد و به شورای جامعه ملل شکایت کرد. ایران هم نمایندگانی به جامعه ملل متفق فرستاد (فروغی وزیر خارجه، داور وزیر عدلیه، تقی‌زاده وزیر مالیه و حسین علاء) و پاسخ به شکایت دولت انگلیس علیه ایران در شورای جامعه ملل به میرزا علی‌اکبر خان داور محول شد.

مذاکرات پشت پرده و تلاش‌های ایران در جامعه ملل نتیجه‌ای نداد و رضاشاه ناگزیر کوتاه آمد و موافقت کرد قرارداد امتیاز تمدید شود. اعتراض دولت انگلیس در شورای جامعه ملل، سرانجام به طریق سیاسی حل‌وفصل شد و با انعقاد قرارداد جدیدی به سال ۱۳۱۲ (آوریل ۱۹۳۳ میلادی) بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس پایان یافت. مدت این قرارداد جدید ۶۰ سال از ۱۳۱۲ بود (یعنی تا ۱۳۷۲) و دو درصد از منابع نفت به اضافه حق‌الامتیازی (چهار شیلینگ در ازای هر بشکه نفت صادرشده) به ایران پرداخت می‌شد. در این قرارداد مقرر شده بود دولت ایران حق ندارد امتیاز را لغو کند حتی با تصویب قانون (شرط ثبات) و اجرای قرارداد تابع اصل حسن نیت است و تفسیر آن باید طبق موازین معقول باشد.

پس از سقوط رضاشاه کار به دست فرزندش افتاد و در زمان او جنگ جهانی دوم درگرفت و مسئله نفت ابعاد مهم‌تری یافت. گزاف نیست که سرنوشت جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) را نفت رقم زد؛ به‌طوری که پس از پایان جنگ، صنعت نفت و بازار نفت آرایش سیاسی و اقتصادی جدید دنیا را شکل داد. این بود که بعد از جنگ، نمایندگان شرکت‌های آمریکایی برای مذاکره درباره نفت به ایران آمدند. کمی بعد روس‌ها هم برای مذاکره و سهم‌خواهی در شمال ایران، معاون وزارت خارجه (کافتارزاده) را به تهران فرستادند و پیشه‌وری در آذربایجان و حزب توده در حمایت این خواست روس‌ها هیچ کم نگذاشتند (۱۳۲۲-۱۳۲۶) تا اینکه قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر، به مسکو رفت و با تدبیری هوشمندانه از زیاده‌طلبی روس‌ها جلوگیری کرد و ایران از فشار روس‌ها رهید. مجلس نه‌تنها قرارداد پیشنهادی با روس‌ها را نپذیرفت و تصویب نکرد، بلکه در ماده‌واحده مصوب ۲۹ مهر ۱۳۲۶ کار نفت را محکم‌تر هم کرده و مقرر کرد:

«واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن به خارجی‌ها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجی‌ها به وجهی از وجوه سهیم باشند، مطلقا ممنوع است».

بالاخره در اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت طرح ملی‌شدن نفت را تصویب کرد. با ملی‌شدن نفت، قرارداد ۱۳۱۲ که با نظارت شورای جامعه ملل منعقد شده بود، پایان یافت. طرف دیگر قرارداد ۱۳۱۲، شرکت نفت ایران و انگلیس بود که ظاهرا یک شرکت تجاری بود، اما عملا در اختیار و کنترل دولت انگلیس بود و ازاین‌رو، دولت انگلیس خود را ذی‌نفع می‌دانست و به ملی‌شدن نفت اعتراض کرد و استدلال می‌کرد که شرکت نفت ایران و انگلیس متعلق به دولت انگلستان است و با ملی‌شدن نفت، حقوق قراردادی او ضایع شده و اگر موضوع به‌طور دوستانه حل‌وفصل نشود، به حکمیت رجوع خواهد کرد.

دولت دکتر مصدق در پاسخ می‌گفت حق ملی‌کردن نفت ناشی از حاکمیت دولت است و اساسا قابل رسیدگی در داوری نیست. بالاخره دولت انگلیس در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کرد و علیه دولت ایران طرح دعوی کرد. اما دیوان بین‌المللی دادگستری، دعوای انگلستان را در صلاحیت رد و اعلام کرد که قرارداد ۱۳۱۲ یک قرارداد خصوصی بوده است.

پس از این شکست حقوقی در عرصه بین‌المللی، دولت انگلستان با مشارکت آمریکا و با کمک دربار شاه و حامیان داخلی آن، دست‌اندرکار کودتا شدند و راه دیگری برای حل مسئله نفت در پیش گرفتند.

آن همه حلاوت که نهضت ملی‌شدن نفت به کام ملت ایران ریخت و آن همه شیرین‌کاری‌های دکتر مصدق، طعمه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد و به تلخی پایان یافت و به قرارداد کنسرسیوم و دولت زاهدی منتهی شد.

ملی‌کردن نفت بی‌گمان از سر وطن‌خواهی و در راستای تأمین منافع ملی و کوتاه‌کردن دست بیگانگان بوده است و از این حیث باید آن را ستود، اما گزافه‌کاری حتی در ستودن نیکی‌ها، چشم را بر حقیقت می‌بندد. ملی‌کردن نفت یک چیز است و اداره پیامدهای آن پاک چیز دیگری است. خوب‌تر بود اگر دولت دکتر مصدق هوشیاری بیشتری به خرج می‌داد و دو کار می‌کرد؛ یکی، او خود حقوق‌دان بود و به خوبی می‌دانست که در ازای ملی‌کردن اموال بیگانگان، باید غرامت پرداخت. طولانی‌شدن مسئله غرامت فرصت توطئه و قانع‌کردن آمریکا به کودتا را فراهم کرد. دوم، باید کار را بر حزب توده سخت می‌گرفت و مانع از تبلیغات عوام‌فریبانه آنها می‌شد.

ازجمله انتقادهای بی‌امان علیه دکتر مصدق این بود که او عوام‌فریب بوده و ذاتا آمریکایی و انگلیسی است. خلیل ملکی در دفاع از او درست گفته بوده: دکتر مصدق عوام‌فریب نیست، اما فریفته عوام است. هرچه بود و هرچه کرد، مردی بود بزرگ و درست و تاریخ‌ساز. ملک‌الشعرا در رثای قوام‌السلطنه چند بیت سروده است که درباره مصدق نیز راست می‌آید؛ ازجمله این مصراع: مملکت تنگ بود و مرد بزرگ...

یادداشت

چالش‌های اقتصادی پیش‌روی کشور و رفع تحریم‌ها

ادامه از صفحه اول

از نظر بخش بزرگی از شهروندان، استمرار تورم نشانه‌ای از نارکارآمدی دولت‌هایی است که کشور را اداره کرده و می‌کنند. پس با استمرار تورم، تنها قدرت خرید و توان اقتصادی خانوار ایرانی سقوط نمی‌کند، بلکه از نظر افکار عمومی کارآمدی دولت نیز زیر سؤال می‌رود. اینکه چرا تورم در دوره‌ای چنددهه‌ای به یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران مبدل شده، نیازمند ورود اقتصاددانان به بحث است، اما از نظر بسیاری از شهروندان و حتی نیروهای سیاسی و تحلیلگران اقتصادی، تداوم چنددهه‌ای تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا بر سقوط ارزش پول ملی و تورم اثرات مشهودی بر جای گذاشته است.

تحریم‌ها نه‌تنها موجب شده تا فروش نفت به‌عنوان اصلی‌ترین ظرفیت درآمد ارزی کشور با موانع جدی روبه‌رو شود و ایران ناچار شود نفت را به قیمت بسیار ارزان‌تر به چین و دیگر مشتریان به فروش برساند و به این ترتیب ضرر هنگفتی به کشور وارد شود، بلکه همچنین موجب شده صنعت نفت کشور از نظر فناوری و بهره‌وری از نیازهای فنی به‌روز، با محدودیت‌های شایان توجهی روبه‌رو شود. همچنین تحریم موجب شده ارز ناشی از فروش نفت نیز به صورت مستقیم به اقتصاد کشور تزریق نشود و به این ترتیب کشور با محدودیت‌های ارزی بیشتری مواجه شود. البته تحریم‌ها صرفا موجب نشده صنایع نفت و گاز کشور با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند، بلکه تحریم دیگر حوزه‌های اقتصادی و صادراتی کشور را نیز با محدودیت‌ها و چالش‌های زیادی مواجه کرده و به این ترتیب امکان معاملات صادرکنندگان کشور را با سد بزرگی روبه‌رو کرده است. در شرایطی که کشور برای نوسازی صنایع برق و نفت و دیگر صنایع خود نیازمند ارز بیشتری بوده و تولیدات داخلی نیز با موانع تحریمی روبه‌رو است، روز به روز قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات گوناگون مورد نیاز شهروندان با افزایش درخور توجهی روبه‌رو می‌شود؛ بنابراین تحریم و تورم بیش از پیش زندگی روزمره ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این وضعیت به صورت مستقیم اثرات خود را بر رونق کسب‌وکار و نیز اشتغال بر جای می‌گذارد و رکود ناشی از این شرایط تورمی، دیگر جوانب زندگی شهروندان ایرانی را با مسئله و چالش روبه‌رو می‌کند. موج گسترده مهاجرت و تقاضای چشمگیر برای مهاجرت به خارج از کشور را هم در این بستر باید ارزیابی و تحلیل کرد.

در چنین شرایطی، وقوع هر نوع شوک ناشی از بحرانی سیاسی یا جنگ و مانند آن، می‌تواند اثرات مخرب‌تری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر جای بگذارد. در کنار مطالبات فراوان شهروندان ایرانی از دولتمردان و نیز نارضایتی‌های متنوعی که امروز زندگی ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار داده، برخی از نیروهای سیاسی گویی چشم خود را بر چالش‌ها و مشکلات کشور بسته‌اند. روز گذشته یکی از نمایندگان مجلس که در غیاب مشارکت گسترده شهروندان به نمایندگی مجلس رسیده، در توییتی از «مرگ بر آن مرز و معیاری که در آن به خاطر به دنیا آمدن در سرزمینی که در آن... به دنیا آمده‌اند با آشنا می‌داند، اما شیرمردان فاطمیون را چون چند کیلومتر آن‌طرف‌تر به دنیا آمده‌اند غریبه با من حساب می‌کند» سخن گفته است. مشخص است که در چنین رویکردی، مسئله اصلی و اساسی کشور، نه نان و معیشت و زندگی و سرنوشت میلیون‌ها ایرانی و اقتصاد پرچالش کشور و حتی مسئله اصلی نه امنیت ملی و آینده کشور، بلکه ایدئولوژی و آرزوهایی است که در جایی دیگر سیر می‌کند. امروز در آستانه شروع به کار دولت جدید، بیش از هر زمان دیگری باید توجه مسئولان کشور به مسائل اقتصادی و ازجمله مدیریت تورم در کشور باشد که زندگی و سرنوشت ده‌ها میلیون نفر از ایرانیان را با انواع مصائب و رنج‌ها دست‌به‌گریبان کرده است. بی‌تردید رفع تمام تحریم‌ها و پرهیز از ماجراجویی و جنگ، فرصت‌های بیشتری برای مدیریت تورم در اختیار کارشناسان قرار می‌دهد تا برای دردهای مزمن کشور چاره‌ای بیندیشند. امروز ایران ما بیش از هر زمان دیگری به صلح، وفاق و آرامش نیاز دارد.

پنجشنبه‌شب رسانه‌ای

ادامه از صفحه اول

روزنامه‌نگاری امروز با مسائلی مانند استقلال، امنیت شغلی، امنیت سیاسی، تأمین امنیت نوشتن و پس از نوشتن روبه‌رو است و در مجموع مباحثی مانند کوچ مرجعیت رسانه (که نتیجه بی‌مهری و عدم حمایت و نگاه امنیتی به رسانه‌هاست) نه‌تنها از کلان مسائل رسانه‌ها و روزنامه‌نگاری در کشور ماست؛ بلکه یک مسئله ملی نیز هست. من معتقدم نیازمند یک سیاست‌گذاری جدید مبتنی بر شرایط داخلی و خارجی ایران امروز با نگاهی به تهدیدهای خارجی که تمامیت ذهنی ایرانیان را هدف قرار داده، به طوری‌که یکپارچگی سرزمینی و هویت ملی ایرانیان را نیز تهدید می‌کند، نقطه ضعف‌های بنیادی ناشی از قانون نامتناسب مطبوعات، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های نوشته و نانوشته و محدودکننده آزادی مطبوعات و همچنین کوچک و ناچیز بودن اندازه اقتصاد رسانه، سیاست‌های متعارض صداوسیما و مواردی از این دست هستیم. و بااین‌همه، نقطه قوت بزرگ ما، گسترش شیوه اطلاع‌رسانی در زمینه تکنولوژی‌های جدید و همچنین وجود روزنامه‌نگاران بادانش و پر انگیزه است. خوشبختانه علاوه بر دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، مراکز آموزش عالی زیاد دیگری در دهه اخیر به تربیت منابع انسانی در حوزه رسانه اهتمام ورزیده‌اند؛ اما تهدید تحدیدکننده برای بزرگ‌شدن و بالیده‌شدن این افراد مانع شکل‌گیری رسانه‌های تأثیرگذار شده است. ایران می‌تواند رسانه‌هایی مهم و تأثیرگذار حتی در بیرون از مرزها و در سطح منطقه نیز داشته باشد. به امید روزهای بهتر برای جامعه روزنامه‌نگاری و نهاد رسانه.

اگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود شنداگ یکقطعه زمین مزروعی و توتزار و محوطه مشتمل بر یکبابخانه زارعانه بشماره ۵۲ واقع در قریه دلچه سنگ اصلی ۶ بخش ۴ سنگر را خانم کوچک آزیز تقاضای ثبت نموده آگهی های نوبتی منتشر ولی تحدید حدود بعمل نیامده است و در صورتمجلس تحدیدی منفی شده پلاک ۵۲ قید شده که بین بانوان کوچک آزیز و عمدرا شادمند و آقایان شکراله دولتخواه رشتی و دکتر نور دهر و غیره مشترک میباشد و هنوز بطور مشاع بهره مالکانه دریافت میدارد و افراز و تقسیمی بین مالکین بعمل نیامده لذا تحدید حدود ششدانگ پلاک ۷۸ مجزی شده از پلاک ۳۱ و ۵۲ بمساحت ۳۶۹۱۱.۳۱ متر مربع به مالکیت حسین احمدیان و زهرا احمدیان و سعید عابدی هر کدام دو دانگ مشاع از ششدانگ به استناد رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۳۶۴۴ و ۱۴۰۳۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۳۴۶۸ - ۱۴۰۳۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۲۴۷۰ - ۱۴۰۳۰۴.۲۰ هیات حل اختلاف صادر گردیده در روز شنبه مورخه ۱۴۰۳۰۶.۲۴ ساعت ۹ الی ۱۲ در محل شروع و بعمل خواهد آمد مراتب جهت اطلاع عموم و مالک و مجاورین آگهی میگردد چنانچه به حدود و حقوق ارتفاقی پلاک مرقوم ادعایی دارند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود ظرف سی روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سنگر تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است به اعتراضات خارج از موعد مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره ظرف مدت یکماه دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به اداره ثبت تسلیم نمایند و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابرمقررات ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳۰۵۲۹

سرپرست ثبت اسناد و املاک - سجادی نیا ۴۳۴۹

برگ سبز **خودرورنوتندر۹۰** رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۳۸ - ۷۹۳ ن ۹۳ و شماره موتور 100017827RR109550 و شماره شاسی NAALSRBYWJA617458 به نام **امیر آقاخانی مسعود** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی

یک دستگاه موتورسیکلت تکتاز TK125S رنگ مشکی به شماره انتظامی ۷۹۸۹۴ ایران ۱۳۲ متعلق به این جانب محمدحسین زاهدی راد به احتمال قریب به یقین با توجه به دادنامه صادره مورخ ۲۱/۰۶/۱۴۰۲ در پرونده شماره ۱۴۰۲۶۸۹۲۰۰۰۲۹۲۳۶۳۷ شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران به سرقت رفته و مفقود است از کسانیکه از موقعیت موتور مذکور اطلاعی دارند یا آنرا در محلی رویت کرده اند تقاضا دارد با شماره تلفن ۰۹۲۰۲۱۵۶۲۱۸ تماس و یا به کلانتری محل اطلاع دهند. بدیهی است یابنده مژدگانی دریافت خواهد کرد.